**بســـــــم الله الرحمن الرحیم**

رسالة الانسان قبل الدنيا

الرسائل التوحيدية، ص: 164

و ظواهر الكتاب و السنة تدل على ما مرّ قال تعالى: أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِين‏ (اعراف/54)

* بررسی سؤالات:
* *قبول حکم به ملازمه منوط به نوعی بودن ادراک آن است.*

*این ادراک نوعی برخاسته از لحاظ همه مؤلفه‌های دخیل در دلالت است.*

 *نوعی بودن ادراک مبتنی بر لحاظ مزبور به معنای ثبوت نوعی لحاظ این مؤلفه‌ها نیست.*

قبول حکم یک درک شخصی است. چرا بسته به نوعی بودن داشته باشد؟ امکان توضیح بیشتر اینها هست؟

* *"همه‌ی موارد فوق‌الذکر به‌شرط لحاظ ملازمه بین لفظ با لوازم، عند العرف متبادر است."*

این مطلب هم انگار چیزی به خواننده اضافه نمی کند. لحاظ ملازمه با تبادر چیز جدایی نیست.

* بررسی تکالیف و تمرینات:
* در [این فیلم](https://bahjat.ir/sites/default/files/atoms/video/4%D8%B9%D9%86%D8%AF%20%D9%82%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%84%D8%AD%D8%B3%DB%8C%D9%86_x264.mp4)، اطلاق عبارت «عند قبر الحسین (ع)» را حسب مدعای آیت الله بهجت رحمه‌الله منطبق بر هندسه مورد بحث کلاس تنقیح نمایید.

توسعه در مناط صدق «عند»، به‌حساب حال باطنی و یا اضطرار عرفی در تحصیل آن است. این، مدعا است. توسعه حکم (استحباب خاص دعا مثلاً) با توجه به مناط نیازمند دلیل حاکم مستقل است و ممکن است یافت بشود و یا نه و لابدّ من الفحص اما در مدعا نیازی به این دلیل نیست. البته روشن است که تحریر مدعا خود نیاز به مقدمات پیچیده سابق دارد و مثلاً بایست اثبات شود که اگر کسی در درون خود خودش را نزد قبر یافت اما از جهت فیزیکی دور بود، مشمول اراده معصوم علیه‌السلام که برای موضوع عند حکم خاصی را اعتبار نموده‌اند، می‌شود و یا اینکه باید گفت در فرض اضطرار نوعی یا شخصی، خود عرف باتوجه به منظومه شرایط و از آن جمله طبیعی بودن پیش‌آمد شرایط اینچنین بعد از آن همه تشدیدات در دعوت به زیارت و محدودیت‌های عالم مادی اطلاق عند را ناگزیر می‌دانند.

البته برای اثبات احکام باید حسب ادله آنها حکم برای مرتبه صدق موضوع روشن گردد و این نیز می‌تواند شناور باشد و از اینجا می‌توان بابی برای مسائل دیگر باز نمود.

استظهار، ضرورت عرفی